

Export Date: ۱۳۹۱/۰۷/۲۷  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3  
 ISBN: 978-600-3600-18-3

# زیتون

## دیو اِگِرز بابک مظلومی

دیو اِگِرز (۱۹۷۰) برنده‌ی جایزه‌ی کتاب امریکا در ۲۰۱۰  
 برنده‌ی جایزه‌ی ادبی صلح دیتون در ۲۰۱۰  
 دیو اِگِرز نویسنده‌ی آمریکایی است که با نثری روان و گیرا، به مسائلی جهانی می‌پردازد. او در کتاب «زیتون» به بررسی مسائل اجتماعی و سیاسی در آمریکا می‌پردازد. این کتاب به دلیل سبک نوشتاری ساده و جذاب، به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های سال تبدیل شد. دیو اِگِرز در این کتاب به بررسی مسائل مختلفی از جمله فقر، نابرابری، و مسائل اجتماعی در آمریکا می‌پردازد. او با نثری روان و گیرا، به مسائلی جهانی می‌پردازد. این کتاب به دلیل سبک نوشتاری ساده و جذاب، به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های سال تبدیل شد.

۲۲۸-۲۲۹



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابی خواهد نویسنده از این کتاب به حساب نماید زبون که به بازسازی  
نیو اورئان و ترویج تفاهم بین ادیان اختصاص یافته است واریز می‌شود.

www.zoharreligion.org

### مقدمه

دیو اِگِز (۱۹۷۰- )، داستان‌نویس، روزنامه‌نگار و ناشر امریکایی است. نخستین کتاب این نویسنده، اثری غم‌انگیز از نوعی بهت‌آور، که نامزد دریافت جایزه‌ی پولیتزر شد، به مشقت‌های او در بزرگ کردن برادر کوچکش، پس از فوت والدین آن‌ها می‌پردازد. حالا می‌فهمی ما چه فرزند هستیم، روایت تلاش مایوسانه‌ی پول دادن به تمام افراد نیازمند است؛ تلاشی که از طریق سفرهای اتفاقی و بی‌هدف به نقاط مختلف دنیا صورت می‌گیرد. چیست چیست سرگذشت والتینو اچاک دنگ، یکی از بازماندگان جنگ داخلی سودان، است. دیو اِگِز که در رشته‌ی روزنامه‌نگاری از دانشگاه ایلینویز فارغ‌التحصیل شد، در ۲۰۰۵، دکترای افتخاری ادبیات را از دانشگاه براون دریافت کرد. او مؤسس انتشارات مک سوئینز است، ناشری مستقل در سن فرانسیسکو که فصلنامه‌ای به همین نام و ماهنامه‌ای را به نام بلیور منتشر می‌کند. در حال حاضر، دیو اِگِز همراه همسر و دو فرزندش در سن فرانسیسکو بی‌اریا زندگی می‌کند.

## نکاتی درباره‌ی این کتاب

این اثر غیرداستانی است و به طور عمده مبتنی بر روایت‌های عبدالرحمان و کتی زیتون. تاریخ‌ها، زمان‌ها، مکان‌ها و دیگر واقعیت‌ها به تأیید منابع مستقل و اسناد تاریخی رسیده است. گفت‌وگوها تا آن‌جا که در خاطر گویندگان آن‌ها مانده، بازگو شده. پاره‌ای از نام‌ها نیز تغییر کرده.

این کتاب بر آن نیست تا اثری جامع و مانع درباره‌ی نیو اورلئان و طوفان کاترینا باشد. تنها روایت تجربیات خانواده‌ای پیش و پس از طوفان است. این کتاب با مشارکت کامل خانواده‌ی زیتون نگاشته شده است و دیدگاه‌های آن‌ها را درباره‌ی وقایع منعکس می‌کند.

جمعه، ۲۶ اوت ۲۰۰۵

در شب‌های بی‌مهتاب، مردان و پسران جبله، شهرک غبارآلود ماهیگیری در ساحل سوریه، فانوس‌هایشان را برمی‌داشتند و با قایق‌هایشان بی‌هیچ سر و صدا به دریا می‌زدند. پنج یا شش قایق کوچک، در هر کدام دو یا سه ماهیگیر. یک مایل آن طرف‌تر، قایق‌هایشان را به شکل دایره‌ای روی دریای سیاه‌رنگ درمی‌آوردند، تورهایشان را می‌انداختند و با گرفتن فانوس‌هایشان بالای آب، چیزی شبیه ماه درست می‌کردند.

اندکی بعد، ماهی‌ها و ساردین‌ها جمع می‌شدند، توده‌ای تیره‌ای رنگ، آهسته بالا می‌آمد. ماهی‌ها جذب پلانکتن‌ها می‌شدند و پلانکتن‌ها جذب نور. آن‌ها حلقه‌ای می‌ساختند، زنجیره‌ای با حلقه‌های سست، و تعدادشان ظرف یک ساعت افزایش می‌یافت. شکاف‌های سیاه بین حلقه‌های تیره‌ای بسته می‌شد تا این‌که ماهیگیرها می‌توانستند آن پایین توده‌ی مترکم تیره‌ای رنگی را ببینند که دور خود می‌چرخید.

عبدالرحمان زیتون فقط سیزده سال داشت که صید ساردین را از این